

جایگاه زمان در عبادت

قدرت‌الله فرقانی

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث

و عضو هیأت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

در بررسی آیات قرآن کریم و روایات اسلامی، گاه با مواردی رو به رو می‌شویم که سخن از گرامیداشت برخی ایام و مواقع به میان آمده و گاه نیز به نحوست برخی ایام اشاره شده است. در میان اقوام مختلف جهان نیز اعتقاد به چنین روزهایی وجود دارد. هر قوم و ملتی روزهایی را مبارک و میمون می‌بیند و در آنها به عبادت و صلح رحم و مانند آن می‌پردازد و روزهایی را نامیمون و شوم می‌پندارد و از دست زدن به کارهای مهم در آن می‌پرهیزد. در اینجا این پرسش به ذهن می‌رسد که آیا واقعا میان روزها و به طور کلی قطعات زمان از جهت مبارکی یا شومی تفاوتی هست یا نه و آیا اعمال انسان در این روزها باید متفاوت از سایر روزها باشد.

همچنین در بررسی احکام عبادی اسلام در می‌یابیم که برخی عبادات را به روزهای خاصی موکول نموده و یا در روزهای معین برای برخی عبادات، فضیلت بیشتری قائل شده‌اند؛ مثلا برای روزه واجب، ماه رمضان را و برای انجام حج واجب، ایامی از ماه ذی‌الحجه را مشخص کرده‌اند. همچنین اعتکاف را در ماه رمضان، به ویژه دهه آخر آن توصیه نموده و در روزهای جمعه، نماز جمعه را مقرر داشته‌اند. برای نمازهای یومیه نیز، ساعتی را تعیین نموده و در میان آن ساعات نیز، اول وقت را دارای فضیلت بیش‌تر دانسته‌اند. در اینجا نیز مشابه همان سؤال به ذهن می‌رسد که نقش زمان در عبادات چیست

و آیا ذاتا میان ساعات مختلف و یا ایام گوناگون تفاوتی هست یا همه آنها یکسانند و تفاوتشان، تشریفی و اعتباری است که شارع مقدس مشخص کرده است. برای پاسخ به این پرسشها، نخست به بحث سعادت و نحوست ایام می‌پردازیم و سپس به رابطه بین عبادات خاص و زمانهای مخصوص اشاره می‌کنیم.

سعادت و نحوست ایام

قرآن کریم به صراحت به نحوست برخی روزها اشاره کرده، می‌فرماید:

إِنَّا أَوْسَلْنَا عَلَيْكُمْ رِيحًا صَرَّصَرًا فِي يَوْمٍ نُحَسِبُ مُشْتَمًّا. (نمل، ۱۹)

ما برای هلاکت ایشان [قوم عاد] بادی سخت را در روزی نحس و شوم فرستادیم.

فَأَوْسَلْنَا عَلَيْكُمْ رِيحًا صَرَّصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ. (نمل، ۱۶)

پس بر آنان [قوم عاد] تندبادی توفنده در روزهایی شوم فرستادیم.

همچنین به مبارک بودن برخی اوقات تصریح نموده، می‌فرماید:

وَ الْكِتَابِ الْمُبِينِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ. (دخان ۲-۳)

سوگند به این کتاب روشنگر، که ما آن را در شبی پر برکت نازل کردیم؛ ما همواره انداز کننده بوده‌ایم.

در روایات نیز درباره سعادت و نحوست ایام هفته و ایام ماههای عربی و نیز ماههای فارسی و رومی، فراوان سخن به میان آمده است؛ مثلا در این روایات، چهارشنبه هر هفته یا چهارشنبه آخر هر ماه و نیز روزهای دیگری شوم دانسته شده‌اند. در جلد ۵۶ کتاب بحارالانوار، تعدادی از این روایات - صرف نظر از صحیح بودن یا نبودن - نقل شده است. در شماری از این روایات آمده است که برای دفع نحوست این ایام، باید به خدا پناه برد، روزه گرفت، دعا کرد، یا قرآن خواند و یا صدقه داد.

برخی مفسران و اندیشه‌مندان اسلامی در این باره به اظهار نظر پرداخته‌اند و در پاسخ به این پرسش که آیا میان زمانهای مختلف، تفاوت ماهوی و ذاتی وجود دارد یا نه، نظراتی ابراز داشته‌اند. مفسر بزرگ قرآن کریم، علامه طباطبایی (ره)، این مطلب را از دیدگاه عقلی بررسی کرده، می‌گوید:

ما به هیچ وجه نمی‌توانیم بر سعادت روزی از روزها، و یا زمانی از ازمته و یا نحوست آن اقامه برهان کنیم؛ چون طبیعت زمان از نظر مقدار طبیعتی است که اجزا و ابعادش مثل هم

هستند و خلاصه یک چیزند. پس از نظر خود زمان فرقی میان این روز و آن روز نیست، تا یکی را سعد و دیگری را نحس بدانیم. و اما عوامل و عللی که در حدوث حوادث مؤثرند، و نیز در به ثمر رساندن اعمال تأثیر دارند، از حیثه علم و اطلاع ما بیرونند و ما نمی‌توانیم تکه تکه زمان را با عواملی که در آن زمان دست در کارند بسنجیم، تا بفهمیم آن عوامل در این تکه از زمان چه عملکردی دارند و آیا عملکرد آنها طوری است که این قسمت از زمان را سعد می‌کند یا نحس، و به همین جهت است که تجربه هم بقدر کافی نمی‌تواند راه‌گشا باشد، چون تجربه وقتی مفید است که ما زمان را جدای از عوامل در دست داشته باشیم و با هر عاملی هم سنجیده باشیم، تا بدانیم فلان اثر، اثر فلان عامل است، و ما زمان جدای از عوامل نداریم و عوامل هم برای ما معلوم نیست.

و به همین علت است که راهی به انکار سعادت و نحوست هم نداریم، و نمی‌توانیم بر نبودن چنین چیزی اقامه برهان کنیم، همانطور که نمی‌توانستیم بر اثبات آن اقامه برهان کنیم، هر چند که وجود چنین چیزی بعید است، ولی بعید بودن، غیر از محال بودن است.^۱

سپس به تفسیر آیات مذکور در صدر بحث پرداخته و نحوست ذکر شده در آیه را مربوط به روزهایی دانسته است که در آن ایام، باد به عنوان عذاب بر قوم عاد وزیده، نه اینکه تأثیر آن زمان به گونه‌ای بوده که با گردش هفته‌ها، دوباره آن ایام نحس برگردد. بنابراین، نحس بودن برخی ایام به سبب واقعه‌ای است که در آن رخ داده است؛ همان گونه که مبارکی شب قدر نیز به واسطه امور بزرگ و مهمی است که در آن شب واقع می‌شود؛ مانند افاضات باطنی و الهی و تأثیرهای معنوی و حتمی کردن قضا و نزول ملائکه و روح در آن شب، پس مبارک بودن آن شب بدین معنا است که عبادت در آن دارای فضیلت است و ثواب عبادت در آن شب، قابل قیاس با عبادت در سایر شبها نیست و در آن شب عنایت الهی به بندگانی که متوجه ساحت عزت و کبریایی شده‌اند، نزدیک است.

ایشان، سپس به بررسی روایات در این زمینه می‌پردازد و می‌نویسد: بیش‌تر این احادیث ضعیف‌اند؛ چون یا مرسل و بدون سندند و یا قسمتی از سند را ندارند، هر چند برخی از آنها سندی معتبر دارد، البته به این معنا که خالی از اعتبار نیست.

علامه طباطبایی (ره) در توجیه برخی از این روایات، به خصوص آنها که درباره نحوست ایام هفته یا روزهایی از ماههای عربی است، می‌گوید: علت این نحوست هم آمده و آن عبارت است از اینکه در این روزهای نحس حوادث ناگواری به طور مکرر اتفاق افتاده، آن

هم ناگوار از نظر مذاق دینی، از قبیل رحلت رسول خدا (ص) و شهادت سیدالشهداء (ع) و انداختن حضرت ابراهیم (ع) در آتش و نزول عذاب بر امتی خاص و خلق آتش و امثال اینها. بدیهی است که نحس شمردن چنین ایامی، استحکام بخشیدن به روحیه تقواست؛ زیرا وقتی افرادی به سبب اینکه در این ایام مصلحان تاریخ، ابراهیم و حسین (ع) گرفتار دست طاغوتهای زمان خود شده‌اند، دست به کاری نمی‌زنند و از اهداف و لذتهای خویش چشم می‌پوشند، روحیه دینی‌شان قوی می‌گردد و بر عکس، اگر مردمی حرمت این ایام را نگه ندارند، از حق رویگردان خواهند بود و به آسانی می‌توانند حرمت دین را هتک کنند و اولیای دین را از خود ناخشنود سازند.

ایشان، سپس به ذکر روایاتی می‌پردازد که به مؤمنان توصیه می‌کند در همین روزهای به ظاهر شوم، با پرداخت صدقه یا خواندن دعا و قرآن به کار خود مشغول شوند و هراسی به دل راه ندهند. حتی در روایتی امام هادی (ع) یکی از دوستان خود را که در روزی دچار حادثه شده و به آن روز، بد گفته است، توییح می‌کند که: «ای حسن! این چه پنداری است! تو که همواره کنار ما هستی، نباید گناهت را گردن کسی که بی گناه است بیندازی!» سپس امام (ع) می‌فرماید:

خدا شما را از این جهت عقاب می‌کند که ایام را به جرمی مذمت کنید که مرتکب نشده‌اند. ای حسن! تا حال متوجه این معنا نشده‌ای که این خدای تعالی است که ثواب و عقاب در دست او است و او است که ثواب و عقاب برخی کارها را بیدرنگ و در همین دنیا و ثواب و عقاب بعضی دیگر را در آخرت می‌دهد؟ ... هیچ وقت تند روی نکنید و برای ایام هیچ دخالتی در حکم خدای متعال قائل نشوید.^۲

این مفسر بزرگ نتیجه می‌گیرد که ملاک در نحوست ایام، صرفاً تقال زدن مردم است؛ زیرا تقال و تطیر اثری نفسانی دارد.^۲ و هر کس می‌تواند، نباید به این نحوست اعتنا کند و اگر هم نمی‌تواند، باید دست به دامن خدا شود، قرآنی بخواند و دعایی کند یا صدقه‌ای دهد. مرحوم علامه در پایان این بحث، پس از قبول این نظر برخی علما - که روایات نحوست ایام را حمل بر تقیه کرده‌اند - نتیجه می‌گیرد که:

اخباری که درباره نحوست و سعادت ایام وارد شده بیش از این دلالت ندارد که این سعادت و نحوست به خاطر حوادث دینی است که بر حسب ذوق دینی و یا بر حسب تأثیر نفوس یا در فلان روز ایجاد حسن کرده و یا باعث قبح و زشتی آن شده و اما این که خود آن روز و یا

آن قطعه از زمان متصف به میمنت و یا شمامت گردد و تکوینا خواص دیگری داشته باشد که سایر زمانها آن خواص را نداشته باشد و خلاصه علل و اسباب طبیعی و تکوینی آن قطعه از زمان را غیر از سایر زمانها کرده باشد از آن روایات بر نمی آید و هر روایتی که بر خلاف آنچه گفتیم ظهور داشته باشد، باید یا حمل بر تقیه کرد و یا به کلی طرح نمود [= کنار گذاشت].^۴

استاد شهید مرتضی مطهری سعاد و نحوست ایام را به الفاظ و معانی آنها تشبیه کرده است؛ یعنی همان طور که الفاظ، ذاتاً با هم تفاوتی از نظر زشتی و زیبایی ندارند، بلکه قباحت و زیبایی خود را از معانی خود کسب می کنند و به واسطه معانی، برخی زشت و برخی زیبایند، سعاد و نحوست ایام نیز به اعتبار حوادثی که در آنها رخ داده است، مبارک یا نحس شده اند. دستورهای دینی در آن ایام را نیز باید به دلیل وقوع آن حوادث دانست.^۵ ایشان همچنین در تفسیر سوره قدر، پس از بیان اینکه عظمت این شب به سبب تعیین مقدرات در آن است، درباره اصل فضیلت اجزای زمان می گوید:

قهرماً مطلب اینطور است که اجزای زمان از این جهت که اجزای زمان هستند هیچ جزئی نسبت به جزء دیگر فرق نمی کند یعنی درجه وجودی اش یک درجه وجودی است فرقی بین یک جزء از زمان و جزء دیگر نیست که یک جزء بهتر باشد از جزء دیگر، یک جزء با فضیلت باشد و جزء دیگر بی فضیلت.^۶

آیت الله جوادی آملی با اشاره به حوادث تاریخی دهه نخست ذی الحجه، همچون نزول سوره براءت و ابلاغ آن به دست امیر مؤمنان می فرماید:

این حوادث و نظایر آنها نشان می دهد که زمان حج از جهات یاد شده نیز فضیلت دارد، چون هر زمانی را مترن آن، شرف، و هر مکانی را متکمن آن، فخر، می بخشد و گونه در گوهره زمان و مکان فرقی بین اجزاء و ابعادش نیست.^۷

نکته حائز اهمیت آن است که گرامیداشت ایام مبارک به دو لحاظ است: برخی از این ایام، تنها برای یادآوری حوادث مهمی است که در گذشته اتفاق افتاده است. هر چند اصل این وقایع دیگر تکرار نمی شود، اما مبارک بودن و گرامیداشت آن ایام برای زنده نگهداشتن حوادث و وقایع است تا مسلمانان در گذر زمان، آنها را فراموش ننمایند و نسل به نسل به آیندگان انتقال دهند و از این راه بر تقویت ایمان مؤمنان بیفزاید. نمونه هایی از این حوادث را می توان چنین نام برد: واقعه غدیر خم در هیجدهم ذی الحجه، سالروز تولد و وفات پیامبر اکرم (ص)، سالروز تولد و شهادت ائمه (ع) و حضرت زهرا (س).

اما برخی از این ایام، واقعاً تکرار می‌شوند و اهمیت دادن به آنها به سبب تکرار واقعی آنها است؛ نظیر شب قدر، شبانه روز جمعه و روز عرفه. مثلاً در مورد تکرار شب قدر علاوه بر آنکه از ظاهر آیه «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا...» که فعل مضارع آورده است و بر استمرار این زمان در هر سال دلالت دارد، روایاتی نیز از معصومین رسیده است که شب قدر در هر سال تکرار می‌شود و در آن مقدرات انسانها تنظیم و امضا می‌گردد^۸ و لذا به شب زنده داری و عبادت در این شب توصیه فراوان شده است.

نقش زمان در عبادات خاص

برای بررسی نقش زمان در عبادات اسلامی باید توجه کنیم که در یک تقسیم کلی، می‌توان عبادات را به سه دسته تقسیم کرد:

۱- عباداتی که انجام آنها منوط به زمان خاصی نشده است و آنها را به صورت واجب یا مستحب - هر گونه که وظیفه اقتضا می‌کند - در هر زمان می‌توان انجام داد؛ مانند انفاق، صلّه رحم، عبادت بیمار، قرائت قرآن، امر به معروف و نهی از منکر و... .

۲- عباداتی که زمان خاصی برای انجام آنها در نظر گرفته شده و بدون فرا رسیدن آن زمان نمی‌توان آنها را انجام داد؛ مانند حج واجب در ایامی خاص از ذی الحجه، روزه واجب در ماه رمضان و یا اعمالی که به واسطه نذر و امثال آن در زمان خاصی بر انسان واجب می‌شوند.

۳- عباداتی که همیشه می‌توان آنها را انجام داد؛ اما به انجام آنها در زمانهای خاص، توصیه بیش تری شده و ثواب بیش تری دارند؛ همچون روزه‌های مستحب در روزه‌های مخصوص سال، نظیر ۱۳ رجب، نیمه شعبان و... زیارت پیامبر (ص) یا امامان معصوم (ع) در مواقع خاص و نیز دعا در هنگامه‌های خاص و یا احیا و شب زنده‌داری در برخی شبهای سال؛ نظیر شب قدر، شب ۲۷ ماه رمضان و شب نیمه شعبان و همچنین تأکید بر عبادت شبانه به طور مطلق در برابر عبادت به هنگام روز؛ چنان که خود قرآن کریم نیز به مؤثرتر بودن عبادت شبانه تصریح کرده، می‌فرماید:

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً. (مزمّل، ۶)

بی‌گمان، نماز و عبادت شبانه، پابرجا و با استقامت‌تر است.

و امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید که سیر به سوی خدا سفری است که جز با زنده داشتن شب میسر نیست:

إِنَّ الْوُضُوءَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُذْرَكَ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ.^۹

اکنون برای پاسخ به این پرسش که چرا برای قسم دوم و سوم، زمان خاص تعیین شده و یا در زمانهایی دارای فضیلت بیش تر دانسته شده است، باید به آنچه در زیر می‌آید توجه کنیم و برخی از حکمت‌های این موضوع را در این توضیحات بیابیم:

الف - وحدت مسلمین و به نمایش در آوردن قدرت مسلمانان؛ مثلاً حج در زمان معین نمایش عظیمی از قدرت و وحدت مسلمانان است. برگزاری نمازهای جماعت در مساجد نیز از این قبیل است.

البته ذکر این حکمت به معنای نادیده گرفتن دیگر حکمت‌های این عبادات در زمان خاص نیست؛ چون ممکن است مثلاً انجام حج در ذی الحجة به سبب حکمت‌های دیگری نیز باشد که ما از آنها بی‌خبریم.

ب - وحدت مسلمانان در عنوان خاص مانند وحدت در انجام «نماز اول وقت» یا وحدت در «گرامیداشت لیلۃ القدر».

توضیح آنکه هر چند در هر یک از بلاد اسلامی انجام نماز در اول وقت، در زمان معین و خاص به خود صورت می‌گیرد و هر شهر و ناحیه‌ای دارای اوقتی خاص است که از نظر زمانی با دیگر اققها متفاوت است، اما اگر همه مسلمانان در عنوان انجام نماز در «اول وقت» متحد گردند، نمایش بزرگی از وحدت مسلمانان تحقق می‌پذیرد. موضوع احیای شب قدر و دیگر ایام سال نیز همین گونه است؛ زیرا شب قدر نیز به حسب افاق متعدد به تعدد ظلی و زمانی است؛ اما گرامیداشت چنین ایامی، رویه‌ای اتحاد گونه میان مسلمانان برقرار می‌سازد، علاوه آنکه تجربه نشان داده است که اگر مسائل تربیتی، تحت انضباط و شرایط معین - مانند اول وقت - قرار گیرد، اثر مضاعفی خواهد داشت و گرنه حتی ممکن است عده‌ای آن را به فراموشی بسپارند و اساس آن به کلی متزلزل گردد. بنابراین، انجام عبادات در اوقات معین و تحت انضباط دقیق سبب می‌شود هیچ کس عذری برای ترک آنها نداشته باشد. افزون بر آن، عبادت به صورت دسته جمعی دارای شکوه و تأثیر خاصی است و در حقیقت یک کلاس جمعی برای انسان سازی است.

ج - نمایش اشتیاق به بندگی با انجام مراسم در اول وقت تعیین شده.

از دیگر حکمت‌های تعیین وقت، آزمایش مؤمنان است تا مشخص شود افراد تا چه اندازه اشتیاق به بندگی حضرت حق دارند و پیش از زمان فرا رسیدن واجب، مقدمات آن را فراهم

می‌آورند تا عمل را در اولین لحظات ورود وقت انجام دهند. برخی از زنان پیامبر(ص) نقل کرده‌اند که آن حضرت با ما سخن می‌گفت و ما نیز با او سخن می‌گفتیم، اما چون وقت نماز فرا می‌رسید، گویی دیگر ما را نمی‌شناخت؛ زیرا اشتغال به ذکر خدا او را از همه چیز باز می‌داشت.^{۱۰}

همچنین نقل شده که حضرت علی (ع) هنگام وقت نماز دچار حالتی ویژه می‌گردید به گونه‌ای که چون از آن حضرت می‌پرسیدند این چه حالتی است، می‌فرمود: «هنگام ادای امانتی رسیده است که خداوند آن را بر آسمانها و زمین عرضه کرد و آنها نتوانستند و از آن هراسیدند.»^{۱۱}

امام صادق (ع) درباره فضیلت نماز اول وقت می‌فرماید:

چون وقت نماز برسد، درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال باز می‌شود و من دوست ندارم عمل شخص دیگری زودتر از عمل من بالا رود و در صحیفه کسی زودتر از نامه عمل من نوشته شود.^{۱۲}

البته برخی نیز گفته‌اند که نماز اول وقت، افزون بر اظهار اشتیاق به حق و انجام عبودیت، بدین سبب مقرب است که در این زمان (اول وقت) عبادت معصوم (ع) و اولیای الهی انجام می‌شود و خداوند این اعمال را کنار اعمال معصوم و صالحان می‌پذیرد.

د - همزمانی عبادت با نزول رحمت حق.

گاه نیز ذکر اوقات و ساعات برای برخی عبادات بدان روی است که در این اوقات، فیض حق بیش‌تر جاری می‌شود و یا از طرف قابل، آمادگی بیش‌تری وجود دارد تا فیض حق را دریافت کند. به عنوان مثال، در قرآن کریم و در کتب روایی، اوقات شریفی چون روز عرفه، ماه رمضان، روز جمعه و عبادت شبانه و به ویژه هنگام سحر مورد تأکید قرار گرفته است؛ مثلاً قرآن کریم می‌فرماید:

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِفُونَ. (ذاریات، ۱۸)

و در سحرگاهان طلب بخشش می‌کنند.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا. (اسراء، ۷۹)

و پاسی از شب را زنده بدار تا برای تو به منزله نافلة‌ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند.

و پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

خداوند در ثلث آخر هر شب و در آغاز شب جمعه فرشته‌ای را به آسمان دنیا فرود می‌آورد و به او امر می‌کند که ندا دهد آیا کسی هست که چیزی بخواهد و من در خواست او را اجابت کنم؟ آیا توبه کننده‌ای هست که من او را پذیرم و آیا استغفار کننده‌ای هست که او را ببخشایم؟^{۱۳}

و امام صادق (ع) می‌فرماید که امیر مؤمنان (ع) فرمود:

دعا کردن را در چهار وقت غنیمت بشمارید: هنگام قرائت قرآن و هنگام اذان گفتن و هنگام نزول باران و هنگام برخورد لشکر حق و باطل.^{۱۴}

و نیز در روایات اسلامی، موارد دیگری هم ذکر شده است که در آن مواقع دعا مستجاب می‌گردد.^{۱۵}

ذکر برخی زمانها نیز به دلیل وجود شرایط روحی خاص برای انسانها در این مواقع است؛ مثلاً تأکید بر فضیلت نماز شب و انجام نماز و دعا در ساعات آخر شب و هنگام سحر بدین دلیل است که در شب، انسانها دست از فعالیت روزانه کشیده و قدری نیز استراحت کرده‌اند و در نتیجه به هنگام بیداری، از اشتغالات فکری آسوده و از آرامش روحی بیش‌تری بهره‌مندند. از این رو، یکی از حکمت‌های تأکید بر وقت سحر برای عبادت و مناجات با حق می‌تواند همین جنبه آن باشد.^{۱۶}

غزالی نیز بر این نکته اشاره کرده، می‌نویسد:

در حقیقت، «شرف اوقات» به «شرف احوال» برمی‌گردد؛ زیرا وقت سحر، زمان صفای قلب و فراغت از افکاری است که تشویش بوجود می‌آورد و نیز روز عرفه و جمعه، زمان اجتماع همته‌ها و همکاری دلها برای ریزش رحمت الهی است.^{۱۷}

نتیجه کلی بحث اینکه از دید عقلی، زمانهای متفاوت با لحاظ ذات و ماهیت، هیچ تفاوتی با هم ندارند و عقل نمی‌تواند برهانی برای شرافت زمانی بر زمان دیگر اقامه کند؛ همان گونه که بر نفی این مطلب نیز نمی‌تواند استدلال بیاورد؛ اما به سبب انصاف برخی زمانها و ایام به حوادثی که در آنها رخ داده است، می‌توان زمانها و ایام را به سعادت یا نحوست متصف نمود؛ همان گونه که در قرآن کریم نیز به نحوست و مبارکی برخی مواقع اشاره شده است.

از سوی دیگر اتصاف به مبارک بودن برخی روزها و شبها به دلیل جهات اعتباری و تشریفی است که از سوی خداوند نسبت به این زمانها اعمال شده است؛ مانند مبارکی شب قدر یا روز عرفه، و یا شبانه روز جمعه و دهه اول ذی حجه و گاه نحوست ایام به سبب تفال زدن مردم است؛ زیرا تفال خوب یا بد اثر نفسانی دارد و لذا در روایات توصیه شده که برای برطرف شدن این نحوست، به دعا و قرآن پناه ببرند و یا صدقه بپردازند و کار نیکی انجام دهند.

نکته دیگر اینکه برای برخی عبادات اسلامی، بر مواقع خاص بیش تر تأکید شده و یا زمان مخصوص در نظر گرفته شده است. این نیز به دلیل شرافت ذاتی این زمانها بر سایر زمانها نیست، بلکه به سبب حکمتهای دیگری است، نظیر انجام عبادت با وحدت و هماهنگی، همزمانی عبادت با نزول رحمت حق و گاه آزمایش مردم که مشخص شود چه کسانی عبادات اسلامی را با رغبت و اشتیاق بیش تر انجام می دهند و در اولین لحظات ممکن بدان می پردازند و چه کسانی در انجام آنها کوتاهی می ورزند.

پی نوشتها:

۱. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۱۱۵ - ۱۱۶، دفتر انتشارات اسلامی.
۲. تحف العقول، ص ۳۵۷، چاپ بیروت.
۳. منظور از تفال، فال خوب زدن و تطیر، فال بد زدن است.
۴. ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص ۱۱۷ - ۱۲۱، با تلخیص.
۵. آشنایی با قرآن، ج ۵، ص ۲۳۹ - ۲۴۰.
۶. تفسیر قرآن، ص ۲۵۲، انتشارات شریعت.
۷. صهای حج، ص ۷۵، مرکز نشر اسراء.
۸. الکافی، ج ۴، ص ۱۵۷ و من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۵۸.
۹. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۷۹، برای توضیح بیشتر ر. ک. «قرآن در قرآن»، آیت الله جوادی آملی، ص ۸۲ - ۸۳.
۱۰. محجة البیضاء، ج ۱، ص ۲۷۸، مؤسسه الاعلمی، بیروت.
۱۱. همان.
۱۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۷، مکتبه الاسلامیه.
۱۳. المحجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۸۵.
۱۴. همان، ص ۲۸۷.
۱۵. ر. ک. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۴۵۱؛ ج ۱۰۳، ص ۲۲۱.
۱۶. ر. ک. توصیهها، پرسشها و پاسخها، آیت الله جوادی آملی، ج ۲، ص ۶۶، دفتر نشر معارف.
۱۷. المحجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۸۷.